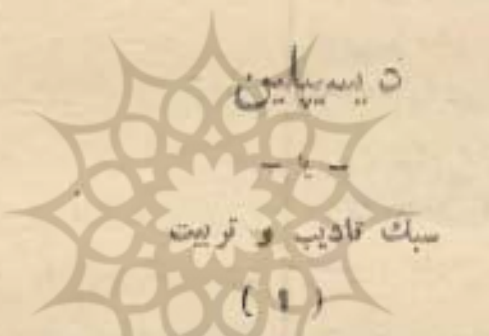


# مجله اصول و معارف



## قسمت عملی



مدرسه مدرسه است که دارای بهترین دبسیلین باشد  
کلمه دبسیلین را که همه شنیده و موارد استعمال آن  
را میدانیم عموماً بقواعلی اطلاق میشود که برای تربیت  
و تنظیم امور جمعیتی تدوین میگردد و از این نظر میتوان آنرا به  
نظامات اداری تعبیر نمود  
در فن بدا کوزی دبسیلین عبارت از اصول نافذ است  
که بوسیله آن طبیعت اطفال و بحضال بسندیده تهذیب  
میکنند و افکار و روحشان را بطرف نیکوکاری و کمال  
اخلاقی هدایت نموده سوق میدهند  
بنا بتعریف فوقی نظامات مدرسه بطور یکه تا کنون  
تصور میرفته سهل و ساده نیست و با فشار خوب و فلك  
و وسایل مادی میسر نمیکردد

دبسیلین یا سبک تادیب مهمترین موضوعی است که  
همیشه مورد دقت علمای فن تعلیم و تربیت بوده و در  
اطراف آن بحاکنات طولانی نموده اند  
معلوم است فقط انسانیه قشک عمارت عالی و تحلی  
مطمین مبحر اسباب خوبی مدرسه نمیشود البته آنها و  
چلی چیز های دیگر از جمله لوازم است ولی اولین  
شرط مدرسه داشتن دبسیلین صحیحی است که متکی  
بر مبانی اخلاقی باشد زیرا بدون چنین دبسیلین  
نمیوان از تعلیم و تربیت نتیجه مطلوبه گرفت و بد منظور  
حقیقی مدرسه که پرورش صاحبان خصال حمیده و  
اشخاص اخلاقی شرافتمند است موفق آمد  
بقول یکی از معارف علم تعلیم و تربیت « بهترین

برای حصول يك چنین منظور عالی تسلط اخلاقی ضرورت دارد و هیئت عامله مدرسه از مدیر و ناظم و معلم باید علی قدر مراقبهم گذشته از خصایص علمی و معلومات فنی دارای اطلاعات پسکولوژی ( معرفت النفس ) باشند تا بتوانند کیفیات روحیه فرد فرد اطفال را تحت شخص و مطالعه قرار داده قواء نورس فکریه و دماغیه آنها را از روی اصول اخلاقی پرورش دهند و باجراعتیبت والی و استقرار دبیلین حقیقی نائل گردند.

پنده در اینجا اقسام عمده دبیلیتهای معموله را شرح میدهیم و طرزى را که مناسب و شایسته محیط و اوضاع امروزه ایران است پیشنهاد کرده استنباط وسایل اعمال آن را قوه تتبع و درایت همکاران محترم خود وا میگذارم.

#### اقسام عمده دبیلین

اقسام مهمه دبیلین های جاریه از این قرار است:  
۱ - دبیلین خشن : دبیلین مزبور اولین سبکی است که در مراکز و تادیب بکار رفته و با وجود ممایب کثیره هنوز بکلی منسوخ نگردیده و در مدارس اغلب نقاط دنیا معمول و مجری است.

پایه و اساس این دبیلین برای تسلط پاداشی و مجازات جسمانی قرار گرفته بلام اقدار مطلقه مدرسه معلم تحمیل میشود و بدون اینکه تهنید و تکمیل قواء باطنیه و حالات نفسانی شاگرد را در نظر بگیرد فقط با اصلاح ظاهر او قناعت میکند.

دبیلین خشن تا وقتی که طفل بحد رشد نرسیده پیشرفت دارد و احترام آن بواسطه رعب و ترسی که هر تحت فشار سیاست بدنی حاصل میگردد محفوظ میماند اما همینکه مانع یا بدایره رشد گذاشت و قواء دماغیه او نمو نمود متدرجا رفتار سابق و لاحق مدرسه و معلم را بمنزل نقص خود محاکمه و قضاوت

میکند و اقدامات شدیدة را که برای اصلاح او بجا آمده وارونه دیده و بنظر خود بیرحمانه و ظالمانه تصور می نماید این انتقال اغلب تدریجی است و شاگرد بمرور از حالت خوف و هول خارج شده وارد مرحله خودسری میشود و بهمین مناسبت خطر آن کمتر محسوس میگردد ولی کامی دفعه يك تغییر و انقلاب روحانی پیش آمده و بفته همیشه مدرسه و هیئت معلم زایل میشود و درجه نمره شاگرد بجائی می رسد که اساس دبیلین را متزلزل می کند و این با ریکترین و خطرناکترین موقعی است که برای يك مهلت مریه رخ می دهد زیرا سرکشی يك یا چند شاگرد باعث طغیان و عصیان فعلی یا مالی عموم متعلمین میگردد و بنیان معنوی مدرسه را دیر یا زود واژگون میسازد.

دبیلین فوق گذشته از این که از قرب و منزلت معلمین کاسته و مدرسه را در نظر شاگردان پست و ضعیف جلوه میدهد ممکن است بواسطه افراط مجازات بدنی در بعضی موجب تولید حس انتقام شده و بشیئانی بزرگی فراهم آرد.

مطالب ضروری دیگر دبیلین خشن این است که نه تنها قواء باطنیه و اخلاقیه اطفال تربیت و پرورش نمیباید بلکه اغلب اوقات باعث میشود که آنها برای فرار از تیهات شدید با از کثرت چوب و کتک خوردن بر حسب اختلاف بر ذایل متعمده از قبیل دروغگوئی تزویر قلب دوروی جوارت و بیعیانی خرافت و بیحسی بدخونی و نادوشی تحریک و مبتلا میگرددند.

پس این دبیلین چندان طرف توجه و استفاده نیست فقط میتوان آن را تا مدتی محدود برای اطفال خورده سال بکار برد ولی بشرط اینکه همیشه میزان سن و نمو روح و دماغشان را در نظر گرفته همانطوریکه پیش میروند و قواء روحیه آنها رشد میکند رفتار



رفته از فشار و خشونت آن کاست و عاقبت بدیسپلین اخلاقی تبدیل نمود

۲ - دیسپلین آزاد : در دیسپلین آزاد مجازات بدنی بکلی ممنوع و اساس تادیب و تریث بدنی بر استدلال و نمودن نتیجه اعمال است باین ترتیب که طفل را ابتدا بشغل واداشته حسن یا قبح کردار و رفتار او را در مقابل چشمش مجسم می سازند و متذکر طبعیت او را بجلب ملکات حسنه و دفع صفات مذمبه عادت می دهند

دیسپلین آزاد با وجود اینکه هوا خوار بسیار دارد باز میتوان گفت کاملا عملی نیست و نواقصی چند دارد که بنده در اینجا بذکر سه نقص عمده آن بادرت میورزم .

اول - اینکه نمیتوان آنرا در همه جا بکار برد و باید حتما در محیطی اعمال نمود که اطفال تریث خالوا دگی دیده و در زیر لوای آزادی رشد کرده باشند و الا نتیجه سوء می دهد و تولید مفاسد عذیبه میکند

برای توضیح مطلب عرض می کنم مثلا در اغلب مدارس اروپا دیسپلین آزاد معمول است بولی در کشور ما این امر با ثباتی که در ایران بحد رسه داری میرسد از حد نمیتواند بستم مزبور را کاملا در مملکت ما جاری دارنند - جهت این است که اکثر اطفال ما در خانواده خود عموما در عالم ترس و وحشت بزرگ شده و با تریث اخلاقی بار نمی آیند پس از آن هم در مدارس داخلی در تحت فشار دیسپلین خشن و سیاست بدنی رشد می کنند باز بر این وقتی بمدارس خارجی میروند - چنانچه دیسپلین آزاد در کار باشد - اختلاف شرایط و آثار محیط طوری روح آنها را مرتعش میسازد که فورا دچار يك انقلاب نفسانی میگردند و مانند کسی که

پس از سال ها توقیف و مقید بودن از مجبوس فرار و به آزادی رسیده باشد بی اختیار بنی طغیان و سرکشی میکنند و از آزادی استفاده سوء میکنند و دیگر امکان ندارد با سبک استدلال و طریقه تعقل آنها را تادیب و تریث نمود

همین علت اروپائیا هم مجبورند دیسپلین مزبور - یعنی همان دیسپلین را که خود در پرتو آفت تریث یافته اند - در ایران ترك گفته یا لاقط مطابق مقتضیات محیط ما سرح و تبدیل نمایند

ثانیا - دیسپلین مذکور چنانچه برای اطفال خرد سال مضر نباشد مسلما فایده ندارد زیرا دماغ آنها کوچکتر و عقلشان ضعیف تر از آن است که بتوان با آنها بطریق تعقل و استدلال رفتار نمود مثلا برای طفلی که با اسلحه بازی میکند تا بخواهیم اقامه برهان نموده و نتیجه سوء و خطری را که عدل او در پی دارد اثبات نمائیم کار از کار میگذرد و تیر از شصت برود پس بهتر این است بدون هیچ مقدمه اسلحه از دستش گرفته و خطر را دور سازیم

ثالثا - در مملکت ما معلمین کم تجربه و تازه کار کمتری نمیتوانند ب اعمال دیسپلین فوق موفق آیند چرا که نفوذ اخلاقی و سلطه روحانی آنها بدرجه نیست که دلایل و براهین خود را بدون زحمت بر معلمین تحمیل نمایند اینچوت کامی اتفاق میافتد که شاگردان معلمی را از راه استدلال بپاخته بیکشانند و خواهی نظروای معلم را در مضیقه انداخته متدرجا متغیر و عصبانی میکنند و همین که معلم از حیات وقار و تفوق خود خارج گردید فورا بر او مسلط میشوند و از جاده تمکین و اطاعت منحرف میگردند واضح است با این پیش آمد نفوذ معلم بکلی از دست میرود و در

ضمن اقتدار اداره مدرسه هم سکنه وارد میاید.

۳ - دیسیپلین امریکائی : در اغلب مدارس امریکائی مسؤلیت تادیب و جریمات نظامات را به عهده محصلین می گذارند به این معنی که اولیاء مدرسه گاهی شاگردان را مسؤل رفتار و کردار یکدیگر قرار داده و گاهی ما بین متعلمین انتهائی را که از همه بهترند انتخاب کرده تربیت و اداره کردن سایرین بیکارند.

شق آخر خیلی شباهت بوضع دیسیپلین معمول به ایران دارد و ما وین مزبور نظیر مبرها و حلقای مدارس و مکاتب خودمان می باشد. چیز اینکه در سیستم امریکائی خلفاء - انطور که نزد ما مرسوم است - معاون مادی معلم و مدرسه نمیشوند چنانچه فقط مجری فرمایشات اداری یا کمک درسی و کلاسی هستند بلکه این مریسان کسوچک و جوان در تحت نظر و مراقبت و هدایت و اعانت معلمین و مدرسه تربیت همقطران خود میبرند و خدمتات شبان بجا میآورند.

در طریقه فوق دو نکته قابل توجه وجود دارد یکی اینکه شاگردان همترتبه خود را بالاترین علم خود می بینند و بنا بر این قهرا حس رقابت و غبطه در آنها تحریک میشود و سعی میکنند حتی الامکان خود را بان مقام برسانند پس میتوان از این شور و هيجان استفاده نمود و خصایص و ملکاتی را که اسباب ترقی و تعالی و مایه شخصیت همقطارشان گردیده در نظر آنها مجسم ساخت و یک سلسله خصال و صفات پسندیده در آنها القا کرده متدرجا بر ورش داده دیگر اینکه چون اطفال بهتر بخوی یکدیگر بی می برند ممکن است از این راه باسانی در طبیعت و عادات

انها مطالبات اخلاقی کرده لکن الاقتضاء بعضی تقویت و برخی را مقهور نمود

دیسیپلین امریکائی را در سوزنیگه شرایط آنه در موجود و کاملا ملحوظ کرده میتوان در بعضی مدارس و مخصوصا در دار المعلمین ها بموقع اعمال گذاشت

اولا - هیئت عامله مدرسه حتی المقدور بیکدیگر لوگه و واقف باصول معرفت النفس باشد در اشغال خود بخلط نرفته انتهائی را که برای تربیت سایرین اختیار می کند واقفا شایسته و در خور آن مقام باشند

ثانیا - شاگردانی که برای تادیب و اداره نمودن سایرین مامور میشوند بقدر کفایت تربیت اخلاقی شده و کاملا محمل ونوق و اعتماد باشند زیرا چنانچه چیزی لغزش اخلاقی در آنها سرزند یا اینکه از خط امانت و درستی منحرف شوند اسباب اعتراض سایرین و بالتبینه اختلال دیسیپلین میگردد

ثالثا - باید مواظبت و مراقبت کامل داشت که حقوق دادن بعضی - که تا چار معنا متضمن تنزل سایرین نمیکردد - تحریک احساسات ذمیمه نماید مثلا در حلقه و معارین جنبه لغت خود بستنی طرفداری اهانت و کینه جوئی و در سایرین حسادت لغت دشمنی بدگویی قفسین و دسته بندی تولید نکند

( بقیه دارد )

محسن قرینی

